



حمیدرضا فتحی نیا، ۱۴۰۳

بررسی فقهی حقوقی جرایم مربوط به حجاب با تأکید بر لایحه حجاب و عفاف

در حقوق اسلام و علی‌الخصوص در فقه امامیه و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران به بحث حجاب و عفاف توجه شده است. به نوعی که حجاب به عنوان یک حکم شرعی مورد اتفاق جمیع فقهای اسلامی می‌باشد. در کشورهای اسلامی در این خصوص قوانینی وجود دارد و در حقوق موضوعه ایران (اعم از قوانین عام و خاص) مقرراتی در این خصوص وضع شده است که نمونه آن (تبصره ماده 864 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392) و نیز لایحه حجاب و عفاف می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی فقهی-حقوقی جرایم مربوط به حجاب با تأکید بر لایحه حجاب و عفاف و به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، متن لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی منتشر شد که در این لایحه?? ماده‌ای وظایف دستگاه‌های مختلف برای ترویج عفاف و حجاب مشخص شده است. در مورد برخورد با بی‌حجابی مراحل به این ترتیب است که ابتدا مرحله تذکر است، بعد از مرحله تذکر مرحله جریمه لحاظ می‌شود، منتهی جریمه نه باید آنقدر کم باشد که بی‌اثر باشد و بازدارندگی نداشته باشد نه آنقدر زیاد باشد که غیرمنطقی تلقی شود. در این لایحه ضوابط فقهی و شرعی حجاب نقض شده است. در این خصوص کفایت توجه شود که اولاً ضوابط پوشش شرعی در کتب فقهی مشخص است و جامعه ایرانی نسبت به آن آگاهی کامل دارد. این ضوابط در مواد مختلف این قانون نقض و نادیده گرفته شده است و لذا این لایحه نمی‌تواند تعهدی به ضوابط فقهی داشته باشد و ادعا کند که برای احیای ضوابط فقه در حوزه پوشش به تصویب رسیده است. در حالی که در فقه سنتی استثنای متعددی برای استفاده از سرانداز توسط زنان در جامعه اسلامی وجود داشته همچون زنان اقلیت مذهبی، زنان متبذل و روستایی یا شاید همان کارگرانی که در اصطلاح امروز به آن‌ها «یقه آبی‌ها» گفته می‌شود و حتی زنانی که در شرایط سنی خاص هستند؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که احکام این لایحه نه تنها تعهدی به ضوابط فقه حجاب ندارد بلکه از نظر جامعیت و مانعیت مرزهای حجاب شرعی را جابجا کرده و ضوابطی دیگر گونه و بنابر مصالحی دیگر آورده است.

کلمات کلیدی: فقه-حقوق، جرم، حجاب، لایحه حجاب و عفاف.

کلیدواژه‌ها: فقه-حقوق، جرم، حجاب، لایحه حجاب و عفاف.

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۶۲۹۲۰۷۹۲۷۸۱۶۱۹۳۰۲۸۱۶۲۸۶۲۸۷۶

تاریخ دفاع: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

رشته‌ی تحصیلی:

دانشکده:

استاد راهنما: دکتر ولی‌اله ملکوتی‌فر



Thesis:

Jurisprudential-legal examination of hijab-related crimes with emphasis on hejab and chastity bill

In Islamic law, especially in Imami jurisprudence and related laws of the Islamic Republic of Iran, the issue of hijab and chastity has been paid attention to. In a way that hijab as a Shariah ruling is agreed upon by all Islamic jurists. In Islamic countries, there are laws in this regard, and in Iranian laws (both general and special laws), regulations have been established in this regard, examples of which are (commentary to Article 864 of the Islamic Penal Code approved in 2013) and the Hijab and Chastity Bill. . This research has been done with the aim of jurisprudential-legal investigation of hijab-related crimes with an emphasis on the hijab and chastity bill and in a library method. The results show that the text of the bill to support the family through promoting the culture of chastity and hijab, approved by the Judicial and Legal Commission of the Islamic Council, was published. In this bill, 70 articles of the duties of various institutions to promote chastity and hijab have been specified. In the case of dealing with veiling, the steps are as follows: first is the warning phase, after the warning phase, the penalty phase is considered, so the fine should neither be so low that it is ineffective and not deter, nor should it be so high that it is considered unreasonable. In this bill, the jurisprudential and shari'a standards of hijab have been violated. In this regard, it is enough to note that first of all, the rules of Sharia clothing are clear in jurisprudence books and the Iranian society is fully aware of it. These regulations have been violated and ignored in various articles of this law, and therefore this bill cannot have a commitment to jurisprudence regulations and claim that it has been approved to revive the regulations of jurisprudence in the field of covering. While in traditional jurisprudence, there have been many exceptions for the use of veils by women in Islamic society, such as religious minority women, rural women, or perhaps the same workers who are called "blue-collar workers" in today's terminology, and even women who are under age conditions. are special; Therefore, it can be seen that the provisions of this bill not only do not commit to the rules of hijab jurisprudence, but in terms of comprehensiveness and hindrance, they have moved the boundaries of the sharia hijab and introduced other rules and based on other interests.

Key words: jurisprudence-law, crime, hijab, hijab and chastity bill.